



حضرت آیت الله العظمی جوادی آملی دامت برکاته

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم

بسم الله الرحمن الرحيم

﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾ (۷۲) لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا (۷۳) ﴿

عدم دلالت باطن فعلی انسان بر قیامت کبرای او

چند سؤال مربوط به مسائل قبل مطرح شد که اگر کسی باطن زید را ببیند که مثلاً زید به چه صورتی در آمده است آیا قیامت او را دید یا نه، معلوم است نه، برای اینکه فعلاً زید از نظر باطن در این حالت است بعد ممکن است برگردد یا صالح بشود یا طالح بشود دیدن باطن يك شخص غیر از دیدن قیامت کبراست چه اینکه دیدن آتش غیر از دیدن قیامت کبراست اما آنکه در آیه دارد این است که ﴿كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ \* لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ﴾<sup>۱</sup> یعنی خود جهنم را می بینید آن بیانات نورانی حضرت امیر(سلام الله علیه) در خطبه ای که اوصاف متقیان را دارد این درباره بهشت و جهنم کبراست «فَهُمْ وَالْجَنَّةُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُنْعَمُونَ وَهُمْ وَ النَّارُ كَمَنْ قَدْ رَأَاهَا فَهُمْ فِيهَا مُعَذَّبُونَ»<sup>۲</sup> این مربوط به آن است و آنکه حضرت می فرماید: «لَوْ كُشِفَ الْغُطَاءُ مَا أَزْدَدَتْ يَقِينًا»<sup>۳</sup> راجع به قیامت کبراست بنابراین دیدن باطن زید غیر از دیدن قیامت کبراست، دیدن آتش غیر از دیدن جهنم است چه اینکه دیدن

۱. سوره تکوین، آیات ۵ و ۶.

۲. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳.

۳. غررالحکم و دررالکلم، ص ۱۱۹، ح ۲۰۸۶.

باغ هم غیر از دیدن بهشت است آنکه حضرت فرمود: «لَوْ كُشِفَ الْغَطَاءُ» آن البته درباره قیامت کبراست آنکه در خطبه متقیان فرمود آن هم در همین زمینه است.

### ناتوانی فیض‌رسانی دانی بر عالی

مسئله اینکه ذات اقدس الهی به هر کسی ﴿أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾<sup>۱</sup> است این درست است هر کسی هم طبق بیان نورانی امام سجاد(سلام الله علیه) در دعای «ابوحمزه» که فرمود هر کسی می‌تواند «بغیر وسیله و بغیر رابطه» با تو مناجات کند<sup>۲</sup> این هم درست است اما اگر ما بتوانیم با ذات اقدس الهی در اثر اینکه «أَقْرَبُ إِلَيْنَا مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ» بدون واسطه سخن بگوییم معنایش این نیست که دعای ما اثری درباره معصومین دارد چون آن ذوات قدسی(علیهم السلام) هم این چنین هستند یعنی ﴿أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ درباره آنها هم هست اگر ما نظام عالم را طولی حساب بکنیم بر اساس درجات، آنها بالا هستند اگر بر اساس ﴿أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ عرضی حساب بکنیم آنها در خطّ مقدم اند یعنی وقتی همه در پیشگاه الهی صف می‌بندند و خدا با همه بلاواسطه سخن می‌گوید آنها در صف اول اند اگر طولی باشد آنها در رتبه اولی<sup>۳</sup> هستند بنابراین فرض ندارد که دعای ما وسیله باشد که ما فیضی را بگیریم به ائمه(علیهم السلام) برسانیم دعای ما در سایه ادعیه آنهاست چه بر اساس ﴿أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ﴾ حساب بشود چه بر اساس «أَنَا عِنْدَ الْمُنْكَسَرَةِ قُلُوبِهِمْ»<sup>۴</sup> حساب بشود چه بر اساس «أَبَى اللَّهُ أَنْ يُجْرَى الْأَشْيَاءُ إِلَّا بِأَسْبَابٍ»<sup>۵</sup> حساب بشود در همه این مراحل آنها جلو هستند.

### تبیین معنا و مفهوم «عرض» در آیه ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ...﴾

اما مسئله عرض امانت باید ثابت بشود که عرض چیست و امانت چیست و حمل چیست در این آیه ۷۲ سخن از امر نیست در جریان فرشته‌ها سخن از امر است که فرمود ما فرشته‌هایی که ابلیس در جمع اینها بود اینها را امر

۱. سوره ق، آیه ۱۶.

۲. رک: مصباح التهجّد، ص ۵۸۲.

۳. منیه المریّد، ص ۱۲۳.

۴. الکافی، ج ۱، ص ۱۸۳.

کردیم و گفتیم ﴿اسْجُدُوا لِآدَمَ﴾<sup>۱</sup> آنها اطاعت کردند و ابلیس اطاعت نکرد به خدا فرمود چرا وقتی ما امر کردیم اطاعت نکردی ﴿إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ﴾<sup>۲</sup> لذا ایای او ایای استکباری است نه ایای اشفافی اینجا سخن از عرض است عرض مستحضرید یعنی سان دادن که این در راه اجلال و تکریم و اینهاست مثل اینکه فرشته‌ها را در پیشگاه خدای سبحان سان می‌دهند یا برای داوود و سلیمان (سلام الله علیهما) جنود آنها را سان می‌دادند این عرض یعنی سان دادن با اجلال و تکریم همراه است. يك عرض تهدیدی است نشان دادن است هراساندن است این عرض تهدیدی و نشان دادن متقابل است گاهی تبه‌کار را نزدیک جهنم می‌برند گاهی جهنم را به او نشان می‌دهند این دو آیه با هم يك پیام دارد گرچه تعبیرها فرق می‌کند آیه صد سوره مبارکه «کهف» این است ﴿وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا﴾ ما جهنم را نشان اینها دادیم در سوره مبارکه «احقاف» آنجا به این صورت است آیه بیست سوره مبارکه «احقاف» ﴿وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ﴾ گاهی اینها را به لبه آتش می‌بریم اینها را عرض بر آتش می‌کنیم لتهدید، گاهی از دور یا نزدیک، آتش را نشان اینها می‌دهیم برای تهدید اینها تهدیدهای متقابل است که از حریم بحث بیرون است اما این عرضی که فرمود: ﴿عَرَضْنَا﴾ یعنی گفتیم چه کسی این بار را حمل می‌کند امر نکردیم.

### مجموعه نظام خلقت مخاطب خداوند در عرض امانت

دو عرض هم نیست یکی برای سماوات و ارض و جبال، یکی هم برای انسان، معلوم می‌شود که این سماوات و ارض و جبال که ذکر می‌شود یعنی مجموعه نظام خلقت، این چنین نیست که بر انسان عرض نشده باشد به انسان امر بکند این طور نیست ما بر این مجموعه عرض کردیم گفتیم چه کسی این بار را برمی‌دارد چه کسی این گوهر گرانبها را برمی‌دارد بر سماوات و اهلش، زمین و اهلش همه اینها که انسان و جن و فرشته‌ها همه در این مجموعه بودند ما عرض کردیم که این بار سنگین را چه کسی برمی‌دارد امر نکردیم عرض کردیم و در این عرض، انسان‌ها هم داخل

۱. سوره بقره، آیه ۳۴.

۲. سوره اعراف، آیه ۱۲.

بودند و گرنه اگر ما بر خصوص سماوات و ارض و جبال عرض می‌کردیم و انسان داخل در این عرض نبود او از کجا داوطلبانه حمل می‌کرد پس معلوم می‌شود ما کلّ این نظام آفرینش را در برابرمان حاضر کردیم گفتیم این گوهر را چه کسی حمل می‌کند فرشته‌ها هم در بین آنها بودند جن هم در بین آنها بود حیوانات هم در بین آنها بودند و همه در بین آنها بودند انسان هم در بین آنها بود.

### توضیح چستی امانت و چگونگی برخورد انسان با آن

حالا این بیان لطیف که سیدنا الاستاد (رضوان الله علیه) دارد که این مقام ولایت است<sup>۱</sup> با این مقدمه تبیین می‌شود این مقام را چه کسی حمل می‌کند امر نکردیم چون امر نکردیم آنها بررسی کردند دیدند که مقدورشان نیست مقام انسانیت دید مقدورش است حمل کرد زیر مجموعه انسان، سه گروه شدند بعضی‌ها این امانت را شکاندند بعضی این امانت را ارزان فروختند بعضی این امانت را سالم برگرداندند يك عده مؤمن بودند چه زن و مرد، يك عده مشرك بودند چه زن و مرد، يك عده هم منافق بودند چه زن و مرد. این طور نیست که ما دو عرض داشته باشیم یا در عرض اول انسان داخل نبوده باشد این طور نیست ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ﴾<sup>۲</sup> خب انسان داخل است یا داخل نیست، اگر داخل نیست او بدون عرض چگونه حمل کرده است ما نه امر کردیم نه عرض کردیم او را در صحنه حاضر نکردیم معلوم می‌شود که در صحنه بود مجموعه خلقت را می‌گویند آسمان و زمین، وقتی می‌گویند آسمان و زمین اگر خدای سبحان بخواهد اهل آسمان را جدا کند اهل زمین را جدا کند می‌فرماید: «وَالسَّمَاوَاتِ وَ مَا فِيهِنَّ وَالْأَرْضِ وَ مَا فِيهِنَّ» ذکر می‌کند اما اگر اهل آسمان، اهل زمین را ذکر نفرمود، فرمود سماوات و ارض یعنی مجموعه نظام خلقت پس آنها هم داخل اند انسان آیا در ساحت عرض داخل است یا داخل نیست اگر داخل نبود امر که نیست عرض هم که نیست او چگونه بدون اجازه آمده گفته من بار را برمی‌دارم معلوم می‌شود او هم در صحنه هست فرشته این بار را نمی‌تواند بلند کند فرشته این مسئولیت را نمی‌تواند قبول کند

جن هم این مسئولیت را قبول نمی‌کند معلوم می‌شود ولایت به خلافت است احکامی که مربوط به اصل توحید باشد به دنبال همین ولایت است.

در طول هم بودن حمل امانت اقرار به وحدانیت و تعلیم اسما

مستحضرید که اگر خصوص اعتقاد به ربوبیت بود در آنجا خصوص انسان را مطرح می‌کند آیه سوره مبارکه «اعراف» این است ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ﴾<sup>۱</sup> بعد از اینکه این بار را او برداشت خصوص بنی آدم را جداگانه در مسئله اخذ ذریه احضار کرد فرمود مگر من ربّ شما نیستم آنها که بار را برداشتند عرض کردند بله. معلوم می‌شود این سه مقطع در طول هم است در جریان ﴿إِنَّا عَرَضْنَا﴾ با «اذ» و امثال «اذ» ذکر نکرد برای اینکه ما یادمان نیست پس سخن از «اذ» نیست بعد از اینکه این صحنه تمام شد یعنی این کالا و این در گرانها عرضه شد و انسان این بار را حمل کرد مسئله ﴿وَإِذْ أَخَذَ﴾ مطرح شد یعنی «أذكر» به یادت بیاور که انسان این کار را کرده است و گفت ﴿بَلَىٰ﴾ بخش سوم مرحله اجرائیات است که درباره خصوص حضرت آدم یعنی انسان کامل (سلام الله علیه) اجرا شد که ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾<sup>۲</sup> مستحضرید که این قضیه شخصیه نیست قضیه فی واقعه نیست این ناظر به مقام انسانیت است از حضرت آدم تا خاتم انبیا تا خاتم اوصیا (علیهم آلف التحیة و الثناء) همه شان مشمول این مقام اند که فرمود: ﴿إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً﴾<sup>۳</sup> همه شان مشمول این مقام اند که ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾ امروز مصداق کامل «عَلَّمَ الْأَسْمَاءَ» وجود مبارك حضرت حجت (سلام الله علیه) است اینها متعلّم بلا واسطه محضر ذات اقدس الهی اند اسمای الهی را می‌دانند و اینها خصیصین اند و صدیقین اند و اخصّ اند وضع عمومی موحدان همان است که در سوره «اعراف» آمده ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ﴾ آن دو مرحله بعد از این مرحله ﴿إِنَّا عَرَضْنَا الْأُمَمَةَ﴾ است یعنی آسمان و زمین و موجودات

۱. سوره اعراف، آیه ۱۷۲.

۲. سوره بقره، آیه ۳۱.

۳. سوره بقره، آیه ۳۰.

سنگین در این صحنه عرض حضور داشتند انسان هم حضور داشته فرشته هم حضور داشت جن هم حضور داشت هیچ کس نتوانست خلیفه الله بشود مگر مقام انسانیت، آن وقت این انسان این حقیقت انسان وقتی در خارج محقق شد افراد فراوانی زیرمجموعه خود دارد که بعضی ها وفادار به آن هستند شایسته هستند می شوند خلیفه الله همان انبیا و اولیا و اهل بیت (علیهم السلام) بعضی ها شاگردان اینها هستند که از فیض اینها بهره می برند بعضی ها بیراهه رفتند حالا این در گرانها را این سرمایه را یا شکستند یا ارزان فروختند.

پرسش: ... پاسخ: نه، سه مقطع است این مسئله عرض امانت باید مقدم باشد بعد آن مرحله که ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ﴾ مرحله میانی است آن مسئله ﴿وَعَلَّمَ آدَمَ الْأَسْمَاءَ كُلَّهَا﴾ برای اخصّ خواص افراد انسان است اخصّ خواصّ که الآن وجود مبارك حضرت است مقام کامل انسانیت است اینها علوم لدنی را از ذات اقدس الهی دارند (يك) عموم افراد در مسئله ربوبیت سهیم اند (دو) بار امانت ولایت و خلافت را مقام انسانیت حمل می کند (سه).

### هدف آفرینش غایت مخلوق نه غایت خالق

این انسان، مصادیق فراوانی دارد این «لام»، «لام» عاقبت است نه «لام» غایت، «لام» غایت آن است که هدف خلقت باشد مثل بخش پایانی سوره مبارکه «ذاریات» که فرمود: ﴿مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ﴾<sup>۱</sup> که این غایت مخلوق است و نه غایت خالق، بارها عنایت فرمودید که غایت خالق، خود خالق است هر فاعلی کاری را انجام می دهد برای اینکه به مقصد برسد يك فاعل ناقصی است که کار، واسطه است بین آن فاعل و بین کمال و اگر فاعلی کمال نامتناهی بود این کار را انجام نمی دهد که به مقصد برسد بلکه چون کمال است عین اراده و اختیار است مختارانه فعل از او صادر می شود لذا در سوره «ابراهیم» فرمود اگر همه تان کافر بشوید برای ما بی تفاوت است<sup>۲</sup> نه اینکه ما به مقصد نرسیدیم، شما به مقصد نرسیدید چون غنی محض است خودش هم اول است هم آخر، هم فاعل است هم هدف؛ چون حکیم است فعلش سرتاسر حکمت است انسان برای عبادت خلق شد انسان برای معرفت

۱. سوره ذاریات، آیه ۵۶.

۲. رک: سوره ابراهیم، آیه ۸.

خلق شد زمین برای فلان چیز خلق شد چون حکیم است فعلش هدفمند است چون غنی است خودش هدف ندارد زیرا خودش هدف است هر فاعلی کاری را انجام می‌دهد برای اینکه به کمال برسد اگر کمال نامتناهی خواست کاری را انجام بدهد دیگر برای چیزی نیست بلکه چون کمال است و عین جود است کار از او صادر می‌شود.

### امانت بودن ولایت انبیا تا خاتم پیامبران و امیرالمؤمنین تا خاتم اوصیا

پرسش: ... پاسخ: نه، خلیفه نمی‌شوند نظیر انسان نیستند که خلیفه بشود از آنها پیغمبری، امامی چیزی نقل نشده در آن حد نیستند چه اینکه فرشته‌ها هم هیچ کدام خلیفه‌الله نیستند همه اینها زیرمجموعه انسان کامل‌اند که امروز زیرمجموعه وجود مبارک ولیّ عصرند. پس عرض غیر از امر است (يك) و انسان هم در این زیرمجموعه دخیل است (دو) حالا این روایت نورانی که از وجود مبارک امام صادق (سلام الله علیه) رسیده است که فرمود این امانت، ولایت علی بن ابی طالب است<sup>۱</sup> این به عنوان مثال و نمونه است یعنی ولایت اهل بیت است ولایت انبیاست ولایت مرسلین است از آدم تا خاتم انبیا (علیهم السلام) و از خاتم انبیا تا خاتم اوصیا (علیهم السلام) این چنین است منتها در بین ما فعلاً مصداق روشن و شفافش وجود مبارک حضرت امیر است.

### دایره شمول ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) و مقصود از آن

اگر کسی واقعاً ولیّ خدا بود همه احکام را انجام می‌دهد اگر مسئله شریعت اسلامی است نماز، ستون دین است اگر سخن از سیاست اسلامی است رعایت حال مردم، ستون دین است این دو بیان هر دو را اهل بیت فرمودند این مسئله «الصلاة عمود الدین»<sup>۲</sup> این گفته اهل بیت است که عدل قرآن‌اند این بیان نورانی حضرت امیر (سلام الله علیه) که در نامه ۵۳ نهج‌البلاغه است برای مالک اشتر مرقوم فرمودند آن هم این است فرمود مالک! «إِنَّمَا» با «إِنَّمَا» ذکر کرد که مهم‌تر از «الصلاة عمود الدین» است در مسئله «الصلاة عمود الدین» با حصر بیان نکرده اما در مسئله

۱. الکافی، ج ۱، ص ۴۱۳.

۲. الامالی (شیخ طوسی)، ص ۵۲۹.

رعایت حقوق مردم فرمود: «إِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ وَجَمَاعُ الْمُسْلِمِينَ وَالْعُدَّةُ لِلْأَعْدَاءِ الْعَامَّةُ مِنَ الْأُمَّةِ» اگر بخواهید نظام‌تان اسلامی باشد سیاست‌تان اسلامی باشد باید کار مردم، مشکل مردم، رفاهیات مردم، تربیت مردم، فرهنگ مردم، اجتماع مردم، عدل مردم، پیشرفت مردم، مردم و زن و بچه‌هایشان را تأمین کنید اینها ستون دین سیاست‌اند نه اینکه حرف بزنیم بگوییم که مشکلات مردم را حل می‌کنیم وقتی به کاری رسیدیم توجه نداشته باشیم باید باور کنیم که در نظام اسلامی رعایت حقوق مردم، ستون دین است مردم را نمی‌شود همین‌طور سرگرم کرد مردم را نمی‌شود با فقر اداره کرد «إِنَّمَا عِمَادُ الدِّينِ» اگر نماز بی‌وضو صحیح بود رعایت مردم هم با این وضع می‌شود صحیح، نماز بدون طهارت صحیح نیست بدون قرائت فاتحه‌الکتاب صحیح نیست «لا صلاة الا بفاتحة الكتاب»<sup>۱</sup> «لا صلاة الا بطهور»<sup>۲</sup> لا سياسة الا به رعایت حقوق مردم خب اینها امانت الهی است آن ولایت حضرت امیر متن است اگر کسی بخواهد ولی الله بشود این متن را بخواهد شرح کند مثل اینکه شما بخواهید يك آیه را تفسیر کنید، شرح کنید خب بالأخره این آیه‌ای که يك خط است ممکن است شما يك رساله درباره‌اش بنویسید ولایت علی بن ابی طالب یعنی مجموعه عقاید و اصول مذهب و اصول دین و فروع دین، آن وقت این روایت نورانی که خود حضرت امیر در نهج‌البلاغه دارد آن هم در صدد حصر نیست بیان یکی از مصادیق است در خطبه ۱۹۹ نهج‌البلاغه وجود مبارك حضرت امیر بعد از اینکه مسئله نماز را ذکر کرد بعد از اینکه مسئله زکات را ذکر کرد «ثُمَّ إِنَّ الزَّكَاةَ جُعِلَتْ مَعَ الصَّلَاةِ قُرْبَانًا لِأَهْلِ الْإِسْلَامِ» یعنی اگر «الصَّلَاةُ قُرْبَانُ كُلِّ تَقِيٍّ»<sup>۳</sup> الزکاة هم «قربان كل تقی» قربان یعنی «ما يتقرب به العبد الى المولى» هر کاری که بنده را به خدا نزدیک می‌کند کار عبادی است کار قربی است این قربان است فرمود زکات هم مثل نماز قربان است بعد از چند جمله می‌فرماید: «ثُمَّ أَدَاءَ الْأَمَانَةِ فَقَدْ خَابَ مَنْ لَيْسَ مِنْ أَهْلِهَا إِنَّهَا عُرِضَتْ عَلَى السَّمَوَاتِ الْمُبْنِيَّةِ وَالْأَرْضِينَ الْمَدْحُورَةِ وَالْجِبَالِ ذَاتِ الطُّولِ الْمَنْصُوبَةِ فَلَا أَطُولَ وَلَا أَعْرَضَ وَ

۱. فقه القرآن (راوندی)، ج ۱، ص ۱۰۲.

۲. من لا يحضره الفقيه، ج ۱، ص ۳۳.

۳. الکافی، ج ۳، ص ۲۶۵؛ نهج‌البلاغه، حکمت ۱۳۶.



لَا أَعْلَى وَلَا أَعْظَمَ مِنْهَا وَلَوْ امْتَنَعَ شَيْءٌ بِطُولٍ أَوْ عَرِضٍ أَوْ قُوَّةٍ أَوْ عِزٍّ لَا مُتَّعِنَ وَلَكِنْ أَشْفَقْنِ مِنَ الْعُقُوبَةِ وَ عَقَلْنَ مَا جَهَلَ مَنْ هُوَ أضعَفُ مِنْهُنَّ هُوَ الْإِنْسَانُ ﴿إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا﴾» الآن اصلاً کسی نیست که راه حضرت امیر را طی کند مآها که الآن آزمودیم این هوس را ما از ذهن دور کنیم که این بار امانت را ما به مقصد می‌رسانیم این نیست بنابراین باید اعتراف بکنیم حالا عنایت الهی، غفور است رحیم است بخشنده است صرف‌نظر می‌کند به برکت اهل بیت، شفاعت آنها، يك مطلب دیگر است ولی غرض این است که همیشه ما این امانت را به آسمان بزنیم به ولایت کلیه اهل بیت برسیم بله، آن ولایت کلیه مثل يك آیه است وقتی آیه را شما باز می‌کنید احکام شرعی هم در آن هست اگر متن را شما شرح می‌کنید این واجبات، واجب‌اند چه چیزی واجب است چه چیزی حرام است این زیرمجموعه ولایت است.

تأکید علامه طباطبایی (ره) بر امانت الهی بودن ولایت علی (علیه السلام)

آن بیانی که آن روز از سیدنا الاستاد (رضوان الله علیه) عرض شد این بیان، بیان عتیق و اریقی است ایشان در همان نوشته‌های عمومی‌شان فارسی‌شان عربی‌شان اصراری دارند که در بین امت اسلام نه در اسلام، در اسلام اول کسی که این حرف را زد خود وجود مبارك پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) بود در امت اسلامی ایشان فرمود سابقه ندارد اول کسی که راه ولایت را باز کرده وجود مبارك حضرت امیر است<sup>۱</sup> راه ولایت این انسان بشود ولی الله، ولی الله یعنی چه؟ یعنی عابد بشود؟ نه، ولی الله بالاتر از عابد است یعنی زاهد بشود؟ نه، ولی الله بالاتر از زاهد است آن کسی که «خَوْفًا مِنَ النَّارِ» یا «شَوْقًا إِلَى الْجَنَّةِ» عبادت می‌کند این یا عابد است یا زاهد است اهل نجات است اهل بهشت است از بزرگان دین است مقدس است اما ولی الله نیست ولی یعنی قُرب، آن کسی که می‌خواهد به خدا نزدیک بشود «لَا خَوْفًا مِنَ النَّارِ، لَا شَوْقًا إِلَى الْجَنَّةِ» خدا را عبادت بکند او می‌شود ولی الله، اول کسی که در امت اسلام این حرف را زد وجود مبارك حضرت امیر بود این حرف را زد و روی حرفش ایستاد آن روزی که

خاورمیانه در اختیار حضرت امیر بود خاورمیانه دو امپراطوری قدر داشت یکی امپراطوری اسلام بود که تسلیم شد یکی هم امپراطوری روم بود که تسلیم شد کلّ خاورمیانه آن روز در اختیار حکومت مرکزی حضرت امیر بود همه غنائم جنگی از ایران رفته حجاز و غنائم جنگی روم هم رفته حجاز در چنین حالتی که در کلّ خاورمیانه حضرت امیر دوّمی ندارد به کلّ این صحنه مقام می گوید عطفه عز،<sup>۱</sup> به این حکومت می گوید عطفه عز این همان اوست کسی هوس این کار نمی کند به آن ولایتی که ذات اقدس الهی به او که - معاذ الله - به آن نمی گوید عطفه عز، به همین چیزی که الآن ما به جان هم می افسیم به همین می گوید عطفه عز که من باید باشم تو نباید باشی تو نباید باشی من باید باشم! بالأخره يك وقت بویش در می آید فرمود این عطفه عز است وگرنه آن سجود و آن رکوع و آن مقام که محبوب آن حضرت است بنابراین ما غیر از وجود مبارك حضرت امیر کسی را طبق بیان سیدناالاستاد نشان نداریم در بین امت اسلامی که این راه را باز کرده باشد خودش رفته اهل بیت رفتند شاگردان خصوصی او مثل سلمان و اباذر و اینها هم کم و بیش این راه را رفتند این راه تا روز قیامت رده رده و رگه رگه به تبع او ممکن است ادامه داشته باشد ولی غیر از آن حضرت و اهل بیت کسی این راه را نیاورده بنابراین آن روایتی که از وجود مبارك امام صادق رسیده است که منظور از این امانت، ولایت علی بن ابی طالب است درست است و آن هم که خود حضرت امیر در خطبه ۱۹۹ فرمود امانت مالی جزء همین است این هم زیرمجموعه آن است نماز هم در آن هست روزه هم در آن هست همه احکام در آن هست چون اگر کسی بخواهد خلیفه الله بشود ولی الله بشود بالأخره با انجام واجبات و ترك محرمات می شود ولی الله بدون اینها که نخواهد شد؛ منتها انجام واجبات و ترك محرمات اگر «خوفاً من النار» باشد می شود عابد و زاهد یا «شوقاً الى الجنة» بشود باز هم می شود عابد و زاهد اما «لا حبّاً الى الجنة و لا خوفاً من النار» باشد بلکه شکرّاً باشد حبّاً باشد عبادت محبّانه باشد می شود ولی الله<sup>۲</sup> این است که در دعای

۱. ر.ک: نهج البلاغه، خطبه ۳.

۲. الکافی، ج ۲، ص ۸۴؛ نهج البلاغه، حکمت ۲۳۷.

«کمیل» بگوید «هَبْنِي صَبْرْتُ عَلَى حَرِّ نَارِكَ فَكَيْفَ أَصْبِرُ عَنِ النَّظَرِ إِلَى كِرَامَتِكَ»<sup>۱</sup> این واقعاً ولیّ الله است بنابراین اول کسی که این راه را باز کرد خود حضرت است و خود این خاندان به این مقام رسیدند البته در شعاع اینها هم اولیای الهی به آن مقام رسیدند بنابراین انسان است که می تواند این گوهر را به مقصد برساند.

### اقسام انسان حمل کننده امانت الهی

آن وقت زیر مجموعه انسان، افرادی هستند یا منافق در می آیند یا مشرک در می آیند یا مؤمن در می آیند این سه گروه اند یعنی گوهری است که سه گروه با آن مرتبط اند حملی است که سه گروه با آن مرتبط اند وگرنه آن مسئله ﴿وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ﴾ در آن، ﴿لِيُعَذِّبَ﴾ منافق و مشرک و اینها نیست همان اصل اقرار است.

### انکار خدا ثمره جهل انسان نه مجهول بودن او

اقرار به ذات اقدس الهی در نهان هر موجودی هست لذا مسئله ملحد و کمونیست ها و اینها را ذکر نکردند خدا انکارپذیر نیست این روایت نورانی که مرحوم کلینی (رضوان الله علیه) در همان جلد اول کافی نقل کرد ملاحظه فرمودید، فرمود او «مَعْرُوفٌ عِنْدَ كُلِّ جَاهِلٍ» خدا انکارپذیر نیست یعنی محال است کسی خدا را انکار کند منتها نمی فهمد که خدا یعنی چه، یعنی حقیقتی که دارد این عالم را اداره می کند بالأخره عالم که پوچ نیست این نظم محیرالعقول هم که حساب و کتابی دارد منتها او نمی فهمد می گوید طبیعت، بالأخره ما به فلان آقا می گوئیم دانشمند است مهندس کشاورزی است برای اینکه چهارتا دانه را بلد است می کارد که میوه بدهد خب این علم تابع معلوم است آن که معلوم را آفرید عالم نیست تو که چهارتا علم حصولی داری عالم شدی؟! کلّ نظام را دارد می گرداند تازه آن مقداری که کشف شده نسبت به آن مقداری که کشف نشده ﴿فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ \* وَمَا لَا تُبْصِرُونَ﴾، ﴿مَا لَا تُبْصِرُونَ﴾ یعنی «ما لا تعلمون» آن مقداری که کشف شده نسبت به مقداری که کشف نشده قابل قیاس نیست منتها این شخص نمی فهمد و نمی داند خیال می کند طبیعت است خدا قابل انکار نیست این روایتی که مرحوم

کلینی نقل کرده فرمود: «عارفٌ بالجهول معروفٌ عند کلِّ جاهل»<sup>۱</sup> هر مطلب پیچیده ناشناخته‌ای نزد خدا معلوم است چون او ﴿بِکُلِّ شَیْءٍ عَلِیمٌ﴾<sup>۲</sup> است و خداوند نزد هر کمونیستی معلوم است نزد هر منکری معلوم است نزد هر ملحدی معلوم است اصلاً قابل انکار نیست مسئله ربوبیت است که مشکل دارند مسئله الوهیت است مشکل دارند مسئله مربی بودن و مدبر بودن و رازق بودن و اینهاست که مشکل دارند ولی اصل حقیقی که مدیر و مدبر عالم است قابل انکار نیست لذا مسئله ملحد را اینجا ذکر نفرمود.

### بررسی ادبی ذکر منافقین و منافقات کنار هم

«لام» هم «لام» عاقبت است فرمود: ﴿لِیُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ﴾ این منافقین و منافقات در برابر آن آیه‌ای است که فرمود: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ﴾ زن و مرد را در چند جهت ذکر کرده یعنی آیه ۳۵ همین سوره مبارکه «احزاب» که فرمود: ﴿إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ﴾ تا آخر، این منافقین و منافقات، مشرکین و مشرکات در برابر آن است فرمود: ﴿لِیُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ﴾.

### بررسی دامنه رحمت الهی و شفیعان روز قیامت

منتها رحمت الهی اوسع است اگر مؤمن و مؤمنات اند که خدای سبحان غفور و رحیم است ظلم بعضی‌ها بالأخره ممکن است اگر لیاقت داشته باشند به وسیله شفاعت اهل بیت با غفران الهی حل بشود و جهل بعضی‌ها اگر لیاقت داشتند به برکت شفاعت اهل بیت به رحمت الهی ختم می‌شود آنها که مرتضی‌المذهب نیستند آنها بیرون از حوزه شفاعت اند فرمود: ﴿لَا يَمْلِكُونَ الشَّفَاعَةَ إِلَّا مَنِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا﴾<sup>۳</sup> یا ﴿لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنِ ارْتَضَى﴾<sup>۴</sup> اگر کسی مرتضی‌المذهب بود یا اگر کسی یَمْلِكُ عند الله عهدا بود اینها ممکن است مشمول شفاعت باشند و در نتیجه در قبال آن جهل و در قبال آن ظلم، رحمت الهی هم شامل حالشان بشود.

۱. الکافی، ج ۱، ص ۹۱.

۲. سوره بقره، آیه ۲۹.

۳. سوره مریم، آیه ۸۷.

۴. سوره انبیاء، آیه ۲۸.

پرسش:.... پاسخ: قدرت چرا، قدرت دارند برای اینکه آن پنج طایفه آیه‌ای که قبلاً خوانده شد اینها مسلم‌اند، مطیع‌اند، ساجدند، مسبح‌اند، حامدند همه اینها نشانه آن بود ولی گفتند مقدورمان نیست ما این بار خلافت را بکشیم این کار، کار ما نیست این انسان است که هم وهم دارد هم خیال و هم عقل در بخش اندیشه، هم شهوت دارد هم غضب دارد هم عقل عملی در بخش انگیزه، این جامع است و مستحضرید اگر قابلیت می‌داشتند ذات اقدس الهی این اسما را که به انسان کامل یاد داد خب فرشته‌ها می‌گفتند که اگر یاد ما هم می‌دادی ما هم یاد می‌گرفتیم بعد هم تازه فرشته‌ها وقتی که بنا شد آگاه بشوند باز هم خدا خودش اینها را به شاگردی قبول نکرد فرمود شما شاگرد آدم هستید بروید از آدم یاد بگیرید این مرحله دوم، تازه وقتی اینها را برد به مدرسه آدم نفرمود «یا آدم علّمهم بأسمائهم» فرمود: ﴿يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ﴾<sup>۱</sup> آنها در حدی نیستند که عالم بشوند گزارش را ممکن است بفهمند خب این نشان می‌دهد آنها در این حد نیستند شما می‌بینید در روایات ما هست اولین چیزی که ذات اقدس الهی خلق کرد نور وجود مبارک پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلّم) بود که وقتی می‌گویند که پیامبر بود چون آنها «کلّهم نورٌ واحد» يك واقعیت‌اند اگر آنها «أول ما خلق الله» هستند معلوم می‌شود فرشته‌ها زیرمجموعه آنها هستند اگر اینها آن لیاقت را می‌داشتند فرشته‌ها می‌گفتند خب تو یادش دادی به ما هم یاد بده چرا گفتند: ﴿لَا عِلْمَ لَنَا إِلَّا مَا عَلَّمْتَنَا﴾<sup>۲</sup> بعد هم چرا خدا فرمود: ﴿يَا آدَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَائِهِمْ﴾ نفرمود «یا آدم علّمهم بأسمائهم» اگر فرشته می‌توانست این بار را بکشد یقیناً ذات اقدس الهی به اینها عطا می‌کرد این است که مقدورشان نیست بنابراین هیچ روایتی ما نداریم که مثلاً اولین مخلوق فلان فرشته است در حالی که اولین مخلوق همین انسان کامل است وجود مبارک پیغمبر است، بنابراین این امانت همان خلافت الهی است که این را انسانیت می‌تواند حمل بکند زیرمجموعه انسان، افراد گوناگونی هستند که - ان شاء الله - خدا توفیق فراگیری آن را به همه ما مرحمت کند!

۱. سوره بقره، آیه ۳۳.

۲. سوره بقره، آیه ۳۲.

«و الحمد لله ربّ العالمين»